

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۳ بهمن ۱۳۹۷

مصادف با: ۶ جمادی الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۶۰

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط دوازدهم؛ نیت

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

« الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین »

خلاصه جلسه گذشته

بحث در شرط دوازدهم از شرائط وضو بود. عرض شد که شرط دوازدهم نیت است و مقصود از نیت، قصد انجام کار به داعی امر خداوند است [، یعنی چون خداوند امر فرموده است، شخص وضو را انجام می دهد] چون خداوند متعال اهل فرمان برداری و اطاعت است و این، بالاترین وجه از وجوه نیت است یا مکلف به قصد دخول در بهشت و نجات از جهنم که پایین ترین وجه از وجوه نیت است، امر الهی را انجام می دهد و آنچه بین نیت به قصد خوف از جهنم و طمع به بهشت و نیت به قصد اهلیت خداوند متعال برای طاعت باشد، متوسط است و لازم نیست که نیت به زبان آورده شود، بلکه لازم نیست که شخص نیت را به قلب و ذهن خود خطوط دهد.

عرض شد که لزوم نیت در وضو محل خلاف نیست و به علمای شیعه نسبت داده شده است که گفته اند که نیت شرط است و این مقدار در طهارات ثلاث [وضو، تیمم و غسل] محل اختلاف نیست.

در ادامه عرض شد که چرا از بین مقدمات نماز، فقط وضو به عنوان یک عبادت مطرح شده است و فقط به وضو جنبه عبادیت داده شده است و گفته شده است که در وضو، قصد امتثال لازم است و اتیان آن باید به داعی امر خداوند باشد؟

ادله ای برای این مطلب اقامه شده اند که سه دلیل در این رابطه ذکر شد. دلیل اول، اجماع بود که با توجه به محتمل المدرکی بودن آن، عرض شد که چنین اجماعی معتبر نیست. دلیل دوم، ارتکاز متشرعه بود که مورد قبول واقع شد و دلیل سوم کلام بزرگان مبنی بر این بود که اصل در هر واجبی این است که تعبدی باشد و وجوب آن و امر به آن ساقط نمی شود مگر اینکه به قصد امتثال و قربت انجام شود زیرا محتمل است که قصد قربت در حصول غرض مولی دخالت داشته باشد و برای اینکه مکلف به تحصیل غرض مولی یقین پیدا کند، باید وضو را به قصد امتثال و قصد قربت انجام بدهد. اما این دلیل نیز مورد اشکال واقع شد و دو اشکال بر آن وارد شد.

دلیل چهارم، آیات مربوط

گفته شده است که از برخی آیات استفاده می شود که وضو یک امر عبادی است و قصد امتثال و قصد قربت در آن لازم است که آیات ذیل از آن جمله اند:

آیه اول: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ...»^۱.

۱. «آل عمران»: ۳۲.

تقریب استدلال به آیه مذکور، این است که منظور این آیه شریفه این است که از اوامر خداوند متعال اطاعت کنید و اعمالی را که مأمور به است، اتیان کنید، یعنی مأمور به را از حیث اینکه اطاعت پروردگار است، انجام بدهید. بنابراین، معنای آیه مذکور، این است که از امر الهی اطاعت کنید و اعمالی که مأمور به است را به عنوان اطاعت خداوند اتیان کنید و عنوان اطاعت محقق نمی شود مگر به قصد قربت یعنی اطاعت زمانی صدق می کند که انسان با قصد تقرب کاری را انجام بدهد. در نتیجه، مقتضای آیه مذکور، این است که قصد قربت در هر فعلی از افعال واجب دخیل است، یعنی هر کاری که خداوند متعال امر به انجام آن کرده است، بدون قصد قربت محقق نمی شود مگر واجبات توصلی که با دلیل خارج شده اند و نیاز به قصد قربت ندارند و در بحث مورد نظر که وضو است، فرض این است که دلیلی بر عدم دخالت قصد قربت در وضو وارد نشده است لذا نتیجه گرفته می شود که قصد قربت در وضو لازم است.

خلاصه اینکه طبق آیه مذکور، امر خداوند و مأمور به باید اتیان شود و انجام مأمور به بدون قصد قربت محقق نمی شود و در نتیجه، قصد قربت در انجام هر فعلی از افعال واجب دخالت دارد مگر اینکه دلیل آن را خارج کند و در رابطه با وضو دلیلی بر عدم دخالت قصد قربت در آن وارد نشده است. پس قصد قربت در وضو لازم است.

اشکال بر استدلال به آیه مذکور

اطاعت عبارت از اتیان فعل مورد امر شارع مقدس و ترک کار مورد نهی شارع مقدس است و اطاعت در مقابل معصیت است که مکلف امر الهی را ترک و نهی الهی را اتیان کند [الإطاعة عبارة عن إتيان ما أمر به و المعصية عبارة عن ترك ما أمر به]. بنابراین، در تعریف اطاعت، قصد قربت نیامده است.

اما کیفیت اطاعت چگونه است؟ آیا اطاعت منوط به قصد قربت است یا منوط به قصد قربت نیست؟ کیفیت اطاعت دائر مدار کیفیت مأمور به است، یعنی باید دید که شارع مقدس اتیان مأمور به را به چه کیفیتی از مکلف خواسته است؟ پس از خود اطاعت نمی توان لزوم قصد قربت را استفاده کرد زیرا اطاعت یعنی انجام دادن مأمور به اعم از اینکه آن مأمور به، تعبدی باشد یا توصلی باشد، بلکه کیفیت مأمور به است که روشن می کند که آیا اطاعت باید با قصد قربت انجام شود یا نیازی به قصد قربت نیست. بنابراین، کیفیت مأمور به است که روشن می کند که اطاعت باید همراه با قصد قربت باشد یا نیازی به قصد قربت نیست که اگر مأمور به، تعبدی باشد، لازم است که با قصد قربت اتیان شود و اگر توصلی باشد، لازم نیست که با قصد قربت اتیان شود.

بنابراین، استدلال به آیه مذکور [، مبنی بر اینکه اطاعت به معنای اتیان مأمور به است و اتیان مأمور به بدون قصد قربت محقق نمی شود و لذا وضو نیز که مأمور به است، باید با قصد قربت انجام شود]، تمام نیست.

به تعبیر دیگر، استدلال به آیه مذکور، مبتنی بر دو امر ذیل است.

امراول، این است که امر به اطاعت در آیه مذکور و مشابه آن باید امر مولوی باشد و امر ارشادی به آنچه که عقل به آن حکم می کند را شامل نشود، ولی امر موجود در آیه مذکور، امر ارشادی است [که عقل مستقلاً به آن حکم می کند و عقل می گوید که حق مولویت اقتضا می کند که باید از مولی اطاعت شود] و شارع مقدس نیز به همین ارشاد عقل حکم می کند [کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع] و می گوید که آنچه را عقل به آن حکم می کند، اتیان کنید. بنابراین، با توجه به اینکه امر مذکور در آیه مورد بحث، امر ارشادی است و مولوی نیست، عرض می شود که آنچه بر نفس اتیان به واجبات شرعی مترتب می شود، بر امر ارشادی، مترتب می شود، یعنی باید ملاحظه شود که امر به واجبات شرعی اقتضای تعبدی دارد یا اقتضای تعبدی ندارد که اگر اقتضای تعبدی

داشت، باید با قصد قربت انجام بشود، ولی اگر اقتضای تعبدیت نداشت، قصد قربت لازم نیست و معنای اطاعت جز اتیان مأمور به چیز دیگری نخواهد بود. بنابراین، امر به اطاعت که در آیه مورد بحث، آمده است، به تنهایی چیزی را ثابت نمی‌کند چون امر به اطاعت، امر ارشادی است و بر امر ارشادی چیزی غیر از آن چیزی که بر اصل امر واجب مترتب می‌شود، مترتب نمی‌شود لذا لزوم قصد قربت یا عدم آن بستگی به نفس امر واجب دارد که اگر تعبدی باشد، باید با قصد قربت انجام شود، ولی اگر تعبدی نباشد، لازم نیست که با قصد قربت انجام شود. دلیل بر اینکه امر به اطاعت ارشادی است و مولوی نیست، این است که آیه مورد بحث همان‌طور که اقتضای لزوم اطاعت خداوند متعال در واجبات را دارد [بنا بر اینکه امر در آن، مولوی باشد]، لزوم اطاعت در محرمات را نیز اقتضا دارد، یعنی اینکه شارع مقدس فرموده است که «اطيعوا الله»، این اطاعت، هم مأمور به را و هم منهی عنه را شامل می‌شود و مسلم است که لزوم اطاعت در محرمات قصد قربت لازم ندارد، بلکه فقط شارع عدم تحقق منهی عنه را در خارج از مکلف خواسته است و صرف حصول ترک در رابطه با محرمات کافی است و اطاعت در رابطه با محرمات متوقف بر قصد قربت نیست، کما اینکه هر امری اولاً و بالذات، امر نفسی است و امر غیری نیاز به دلیل دارد. بنابراین، امر به اطاعت در آیه مورد بحث، بر امر غیری دلالت نمی‌کند و امر مولوی نیز نمی‌باشد، بلکه امر ارشادی است.

امر دوم، این است که باید اثبات شود که امر به اطاعت مذکور در آیه مورد بحث، امر غیری است، یعنی استناد به آیه مذکور، در فرضی تمام است که اطاعت مربوط به امر غیری، از قبیل وضو و امثال آن باشد، ولی اگر مربوط به امر نفسی باشد، شامل بحث وضو نمی‌شود زیرا وجوب نفسی یکی از واجبات شرعیه است و در عرض واجبات دیگری است که در شریعت اسلام وجود دارند. پس دلالتی بر اعتبار قصد قربت در وضو در آیه مذکور، وجود ندارد.

مؤید این مطلب این است که واجبات توصلی که قصد قربت در آنها معتبر نیست، زیاد هستند. پس اگر آیه مورد بحث، بر اعتبار قصد قربت در هر واجبی دلالت کند، تخصیص اکثر لازم می‌آید زیرا بسیاری از واجبات، توصلی اند که قصد قربت در آنها معتبر نیست.

پس اول باید مولوی بودن امر مذکور، ثابت شود و بعد از اینکه ثابت شد که مولوی است، باید ثابت شود که امر مذکور، امر غیری است و امر نفسی نیست تا بتواند شامل وضو بشود و وقتی هیچ کدام از دو مورد مذکور، ثابت نشد، نتیجه این می‌شود که استناد به آیه مذکور، بر لزوم قصد قربت در وضو تمام نیست.

«الحمد لله رب العالمین»